

The Sogdian Inscriptions in The Upper Indus Valley of Northern Pakistan

Vida Naddaf(Ph.D.)¹

The present paper aims at introducing the Sogdian inscription. Sogdian is a middle eastern Iranian language, once spoken in Sogdiana. Among the middle Iranian languages, Sogdian is classified as belonging to the North-Eastern group. Numerous written sources have remained from Sogdian, which include both religious and non-religious sources. Inscriptions are among the non-religious written sources of this group. Sogdians inscriptions (rock) discovered in Upper Indus Valley, northern Pakistan are introduced in this paper.

¹- Associate professor of Ancient Iranian Languages and Cultures, Islamic Azad University, Hamedan.

کتیبه های سغدی در سِندِ علیای پاکستان

ویدا نداف^۱

چکیده

هدف مقاله حاضر معرفی کتیبه‌های سغدی است. سغدی یکی از زبان‌های ایرانی میانه شرقی است که در گذشته در سرزمین سغد به آن تکلم می‌شده است. در بین زبان‌های ایرانی میانه، زبان سغدی جزو زبان‌های شمال شرقی به شمار می‌آید. منابع مکتوب متعددی از زبان سغدی برجای مانده است که شامل منابع دینی و غیردینی است. کتیبه‌ها جزو منابع مکتوب این گروه محسوب می‌شدند. کتیبه‌های سغدی که در سِندِ علیای پاکستان یافت شده‌اند در این مقاله معرفی خواهد شد.

۱- مقدمه

زبان سغدی از گروه زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان مردم نواحی سمرقند و دره زرافشان (در تاجیکستان امروزی) بود. این زبان از مهم‌ترین زبان‌های ایرانی میانه شرقی، زبان میانجی جاده ابریشم در سده‌های ششم تا دهم میلادی (چهارم قمری) و زبان اداری، تجاری و فرهنگی در مناطقی مانند واحه‌های تورفان در ترکستان شرقی بوده است (زرشناس، ۱۳۸۲: ۸۰).

آثار باز یافته زبان سغدی را برحسب موضوع می‌توان به دو گروه غیردینی و دینی تقسیم کرد. از جمله آثار غیردینی زبان سغدی کتیبه‌ها هستند. این کتیبه‌ها عبارتند از: «سنگ نوشته‌های سغدی»، مکشوف در سند علیا در شمال پاکستان - مشتمل بر بیش از ۵۹۰ سنگ نوشته متعلق به سده چهارم میلادی و در بردارنده نام‌های خاص (سیمز - ویلیامز^۲، ۱۹۸۹)؛ «سنگ نوشته بوگوت»، مکشوف در جمهوری مغولستان - مشتمل بر ۲۹ سطر، متعلق به سده ششم میلادی و حاوی اطلاعاتی درباره تاریخ فرمانروایی ترکان (بازین، ۱۹۷۵: ۳۷-۴۵)؛ «کتیبه های افراسیاب»، مکشوف در جمهوری ازبکستان - مشتمل بر ده کتیبه دیواری، متعلق به اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم میلادی، در شرح بار یافتن فرستادگان چغانیان و چاچ‌ها به حضور فرمانروای سمرقند (خروموف، ۱۹۸۷: ۳۸-۳۹)؛ «کتیبه‌های پنجکند»، مکشوف در جمهوری تاجیکستان - مشتمل بر کتیبه‌های کوچکی بر ظرف‌های سفالین و سنگی، چوب و استخوان، متعلق به اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم میلادی که از میان آنها سفال نوشته حاوی فهرست الفبای سغدی دارای اهمیت خاصی است (لیوشیتس، ۱۹۷۰: ۲۵۶-۲۶۳)؛ «کتیبه آداخ»، مکشوف در تبت، جنوب غربی جامو- کشمیر -

^۱ - عضوهیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، همدان

مشمول بر ۹ سطر، متعلق به سده نهم میلادی و از نوع کتیبه‌های یادبودی درباره سفر فرستاده سمرقند به دربار خاقان تبت؛ «کتیبه قره بلگسون»، مکشوف در مغولستان - مشتمل بر سه زبان سغدی، چینی و اویغوری، متعلق به تاریخی میان ۸۰۸ تا ۸۲۱ م. درباره گرویدن سومین خاقان اویغور به آیین مانوی (کلارک، ۲۰۰۰: ۸۳-۱۲۳) و «سنگ نوشته‌های قرقیزستان» مکشوف در جمهوری قرقیزستان - مشتمل بر چندین کتیبه یادبودی متعلق به سده‌های نهم تا یازدهم میلادی (درسدن، ۱۳۷۷: ۸۲۹ و نیز تفضلی ۱۳۷۶: ۳۵۸-۳۶۲ و زیرنویس‌های آن، زرشناس، ۱۳۸۰: ۸۲-۸۳).

۲- کتیبه‌های سند علیا

کتیبه‌های سغدی سند علیا مجموعه‌ای است از ۶۰۰ سنگ‌نوشته و نقش برجسته که بر روی سنگ‌هایی که در کناره این رودخانه قرار گرفته‌اند، کنده شده‌اند. بیشتر این سنگ‌نوشته‌ها نام بازرگانان سغدی است که زمانی از این مکان دیدار کرده‌اند. این کتیبه‌ها، در دو جلد، تالیف سیمز- ویلیامز در سال‌های ۱۹۸۹، ۱۹۹۲ به چاپ رسید.

این کتیبه‌ها طی سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۸ با ساختن بزرگراه قره‌قروم^۱ در سند علیا در شمال پاکستان کشف شد (سیمز- ویلیامز، ۲۰۰۰: ۱۴). با این کشف ۶۰۰ کتیبه کوتاه به زبان سغدی، در ساحل سند بین چیلای^۲ و روستای شاتیال^۳، ۵۰ کیلومتر پایین‌تر از رودخانه و شماری از این کتیبه‌ها را در منطقه‌ای دور دست‌تر در شمال هونزه^۴ یافتند. این کتیبه‌ها که شامل ۱۶ کتیبه بود به دیگر زبان‌ها و خط‌ها نگاشته شده بود و گاهی بر روی یک سنگ کنده شده بود (همان).

کتیبه‌های غیرسغدی سند علیای پاکستان شامل دو کتیبه به فارسی میانه (کتیبه‌های ۲۳۲، ۲۳۳)؛ دو کتیبه به پهلوی اشکانی (کتیبه‌های ۴۱۰، ۴۸۷) و ۱۲ کتیبه به بلخی (کتیبه‌های ۳۰، ۵۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۴۵۲، ۵۳۴، ۵۵۴، ۶۴۳، ۶۴۶، ۶۶۵، ۶۶۶) هستند. کتیبه‌های سغدی از ۱-۶۷۳ شماره گذاری شده است.

منطقه‌ای که کتیبه‌های سغدی در آن یافت شد در دو سمت رودخانه قرار داشت، تهور^۵ در ساحل شمالی و شاتیال چند کیلومتر در فراتر به سمت پایین رودخانه و نیز مهم‌ترین منطقه به سبب قرار گرفتن کتیبه‌های ایرانی است، چون نود درصد کتیبه‌های سغدی در آنجا قرار دارند. اهمیت شاتیال وجود پلی است که آن را از طغیان رود سند حفظ می‌کند. طبق فرضیه کارل

^۱-Karakorum

^۲-Chilas

^۳-Shatial

^۴-Hunza

^۵-Thor

جت مر^۱، شاتیال مقصد نهایی بازرگانان سغدی بوده است، جایی که با بازرگانان هندی به داد و ستد کالاهایشان می‌پرداختند(همان).

بسیاری از کتیبه‌ها شامل یک نام شخصی است مثل کتیبه سغدی (۱) nnyprn "nanai- farn" نئی فرن؛ کتیبه بلخی (۲۳۴) μoζδo "mazd" مَزْد؛ کتیبه پهلوی اشکانی (۴۸۷) wryhrn "warhrān"؛ کتیبه فارسی میانه (۲۳۲) 'dw'hšy "āduxšt" آدوخشی. اغلب اسم نیا نام^۲ افزوده شده است: مثلاً در کتیبه سغدی

نئی فرن پسر نئی ونده nnyprn ZK nnyβntk BRY (۵۴۴)

نئی دوار پسر کُند nnyδβ'r kwnt BRY (۳۴۹)

کتیبه بلخی

شاپور پسر سووه (?) ραβορο σοηο πορ (۵۳۴)

کتیبه پهلوی اشکانی

ورهران [پسر] شاپور wryhrn šhyprwhrn (۴۱۰)

گاهی اوقات نام پدر بزرگ نیز داده شده است: مثلاً در کتیبه سغدی

nnyntz ZK kwnt'kk BRY δ'nδmt (?) npyšn (?) (۲۷۱)

نئی نَزْد پسر کنداک نوّه دان دَمَت

چنین متن‌هایی بدون ابهام هستند زیرا در آنها واژه‌هایی برای «پسر» یا «نوه» وجود دارد نظیر کتیبه‌های سغدی و بلخی که بیان شد، یا نام پدر که با پسوند نیا نام آمده است نظیر کتیبه پهلوی اشکانی.

در کتیبه‌های سغدی اغلب BRY به معنی «پسر» حذف شده است مانند کتیبه نئی فرن (پسر) نئی ونده

nnyprn ZK nnyβntk (۵۴۷)

گاهی چنین حذف‌هایی ایجاد ابهام می‌کند مثلاً در کتیبه

βrzyr'k m'ymaryc (۱۸۴)

که هم می‌تواند به معنی «ورزره [پسر] مای مرغچ» باشد هم به معنی «ورزره [و] مای مرغچ» باشد، یا در اصل از آنجایی که مای مرغچ صفت نسبی است به معنی «ورزره بومی مای مرغچ» باشد. در بعضی از کتیبه‌های سغدی از دو یا چند عضو یک خانواده نام برده شده است که احتمالاً به طور گروهی یا جداگانه از شاتیال دیدار کرده‌اند. برای مثال در این کتیبه از دو برادر نام برده شده است:

^۱ -Karl Jettmar

^۲ - معادل واژه patronymics در انگلیسی است.

βrzyr'k 'β(y)'mnβntk ZKy | m'ymaryc | BRYN (۹۲)

ورزره و اویامَن ونده پسران مای مرغج

(سیمز - ویلیامز، ۱۹۹۷-۱۹۹۸: ۵۲۴)

متن این کتیبه‌ها اطلاعات زیادی به ما نمی‌دهد، زیرا تقریباً بیشتر آنها نام‌های خاص و نام‌های پیش‌نیام هستند. شماری فقط یک عبارت فعلی نظیر «من به اینجا آمده‌ام»، و شمار دیگری دارای یک عدد است که امکان دارد تاریخ را نشان دهد؛ نظیر ترجمه کتیبه «ساس پسر رشن - دس در صد» که شاید به این معنی باشد که «ساس پسر رشن - دس [در سال] صدم [به اینجا آمد]». متأسفانه این عدد تاریخ قطعی را نشان نمی‌دهد، زیرا قرن آن مشخص نیست و نیز تنها موردی است که در این کتیبه‌ها آمده است.

این کتیبه‌ها به چه دوره‌ای برمی‌گردند؟ بهترین شاهد بررسی خط سغدی کتیبه‌ها است که بیشتر آنها متعلق به قرن سوم تا ششم میلادی‌اند. این تاریخ با تاریخ کتیبه‌های براهمی (که متعلق به قرن چهارم تا هشتم بوده) و بر روی همان سنگ‌هایی نقش بسته‌اند که کتیبه‌های سغدی بر آن نگاشته شده، هماهنگ است. وجود نام‌های فارسی میانه نظیر شاپور، کرتیر و پاپک در میان نام‌های سغدی زمانی نزدیک به دوره ساسانی (نیمه قرن سوم تا هفتم میلادی) را تایید می‌کند، در صورتی که نبود نام‌های مانوی، مسیحی، بودایی و نیز نام‌های ترکی ثابت می‌کند که این کتیبه‌ها به تاریخی پیش از پیدایش این نام‌ها بازمی‌گردد (سیمز - ویلیامز، ۲۰۰۰: ۱۵).

نکته تاریخی مهم دیگر اینکه آیا کتیبه‌های سغدی متعلق به ساکنان سغد بوده که میان هند و غرب بازرگانی می‌کرده‌اند یا مهاجران سغدی ساکن سین کیانگ^۱ که میان هند و چین بازرگانی می‌کرده‌اند؟ در اینجا شواهد یاد شده متناقض‌اند. وجود نام‌های خاصی که به معنای چینی^۲ و کوچانی^۳ است، ارتباط کتیبه‌ها را با سین کیانگ و چین ثابت می‌کند. شاهد دقیق‌تر آن در یکی از کتیبه‌های شاتال آمده است که استثنائاً دارای یک اسم مکان است. این کتیبه طولانی‌ترین کتیبه سغدی است:

nnyβntk | ZK nrsβ | 'γt- kym | kw 10 'HRZY | MN k'rt | βyncytk |
y'n pt' | yst 't | xrβntn | twxtr | Pr'ys'n | rty ZKw | 'HY pr | šyr wyn |
'n °M | wγš' (۲۵۴)

^۱ -Xinjiang

^۲ -Chinese

^۳ -Kuchean

«[من] نئی ونده [پسر] نرسف [در سال] دهم [به اینجا] آمده ام و از روح مکان مقدس درخواست لطف و بخشش [نمودم] ... باشد که هر چه سریع‌تر به خروندن برسیم و برادر[م] را در سلامت با خوشحالی ببینم».

یوتاکا یوشیدا^۱ نام مکان خروندن را نام باستان تاشکورگان^۲ در غرب سین کیانگ تعیین کرده است. این کشف شاهی برای سفر سغدیان از سند علیا به سمت چین است و نیز نام مکان هونزه که سه یا چهار کتیبه سغدی در آنجا یافته شد، این مکان احتمالاً جایی است که سغدیان از آن عبور کرده‌اند. (همان)

در سه کتیبه سغدی به نام زنان اشاره شده است:

سنه خرام [دختر] فری ... غات (۱۸) sn'xr'mh ZKh pry •δ^۲•h γ'th

رنسا rnysh (۳۳۶)

چنانچ دخترک خنسج xnsC δwyt'kkh cyn'nch (۳۷۱)

(سیمز - ویلیامز، ۱۹۹۷-۱۹۹۸: ۵۳۱).

طبق تجزیه و تحلیل ساختاری بر روی اسامی سغدی می‌توان نمونه‌های زیر را مجزا کرد:

مرکب‌های ملکی مثل st'sp «دارنده یک صد اسب» (۱۹۹)؛ مرکب‌های وابسته مثل nnyβntk «بنده نئی» (که بطور مکرر آمده است برای نمونه کتیبه ۴۸)؛ مرکب‌های عطف بیان (بدل از اسم) مثل xwrmyw «خورشید-بیر» (۵۲۷)؛ مرکب‌های عامل مثل wnkw'y «فاتح غولان» (۲۰۲) و نیز نک. گرشویچ^۳، ۱۹۵۴: پ ۹۶۲؛ اسامی که از یک جمله ساخته شده‌اند^۴ مثل 'γtz'k «بچه‌ای آمده است؟» (۱۵۸)؛ لقب (ساده یا مرکب) که به عنوان اسم به کار رفته‌اند مثل 'stk(yn) «استخوانی» (۱۵۵)؛ «رهبر/ رئیس سپاه» (۸۸)؛ اسامی مخفف^۵ مثل nny (به عنوان اسم مذکر) (۵۶ و کتیبه‌های دیگر)؛ prm «شکوه» (۲۸۱)؛ اسم تحبیب که اغلب با پسوندهای -'kk -c، ساخته شده‌اند مثل nny'kk «ننیاک» (۲۴)؛ prnc «فرنچ» (۹)؛ اسامی خانوادگی و نیانام که با پسوندهای -k'n، -k('nk)، -kk'، -n و غیره ساخته شده‌اند مثل kwš'nk'n «کوشان کان» (۴۳۸)، kwš'nk'nk «کوشان کانه» (۲۰۰)، m'n'kk «مانه» (۳۲۱)، rysn «رسن» (۴۷۴)؛ صفت نسبی که با پسوند -c و دیگر پسوندها یا بدون پسوند ساخته شده‌اند مثل m'ymryc (۲۴۴)، 'yntwk (۱۴۱)، xwn (۴۴) (همان: ۵۲۸).

^۱ - Yutaka Yoshida

^۲ - Tashkurgan

^۳ - Gershevitch

^۴ - satznamen

^۵ - kurznamen

تنها اسامی پدر و پسر که به شکل ساده می‌آیند شامل kwnt «کنت» (۶۱)، šyrc «شرچ» (۴۱)، t'w «تاو» (۴۵) هستند. از طرف دیگر می‌توان اجزاء مشترکی را در اسامی پدر و پسر یافت نظیر n'yt در این کتیبه:

انغت ناو پسر انغت اسپاس (۱۸۸) 'nytn'w ZK 'nytsps' s BRY

در جاهای دیگر نیز می‌توان نظیر همین جفت نام‌ها را با ترتیبی متفاوت یافت مانند:

آناخت ونده پیک (۱۳۱) 'n'xtβntk ZK Pykk

پیک پسر آناخت ونده (۳۲۸) pykk' ZK 'n'xtβntk BRY

در مورد اسامی کتیبه‌های مجاور:

نئی خسای پت رُودن (۳۹۳) nnyxs'y ZK Ptrwδ(n)

نئی خسای نئی دوار (۳۹۲) nnyxs'y ZK (nn)yδβ'r

می‌توان فرض کرد که nnyxs'y پدر بزرگ دیگری یعنی ptrwδn است (همان: ۵۳۰-۵۳۱). به استثنای اسامی خاصی که پی‌درپی در کتیبه‌های سغدی می‌آید حرف تعریف معین ZK، مونث آن ZKh، جمع آن BRY, ZKy «پسر» (جمع آن BRYN) که به دنبال نام پدر می‌آید.

به معنی «آن، او» حرف تعریف معین در حالت نهادی مفرد مذکر است. ZK = xō (قریب، ۱۳۷۵، مدخل ۱۱۲۹۳)

به معنی «آن، او» حرف تعریف معین در حالت نهادی مفرد مونث است. ZKh = xā (همان، مدخل ۱۱۲۹۵)

به معنی «آنها» حرف تعریف معین در حالت نهادی مذکر است. ZKy = awē/awī (همان، مدخل ۱۱۳۰۰)

بی شک سغدیانی که به سند می‌آمدند به دنبال کار بازرگانی بودند و احتمال اینکه به عنوان زائر یا مبلغ آمده باشند کم است، زیرا در نام‌های آنها هیچ اثری از دین بودایی یا مذهب تبلیغی دیگر دیده نمی‌شود (سیمز - ویلیامز، ۲۰۰۰: ۱۶).

تعدادی از کنده‌کاری‌ها (نقش برجسته‌ها) در شاتال نظیر تصویر خدای خورشید به سبک سغدی، یا مراسم ستایش در مقابل محراب آتش، اشاره به آیین و مذهب بومی سیاحان سغدی دارد. وجود تعداد زیادی از اسامی ایزدان زردشتی و دیگر ایزدان ایرانی ثابت می‌کند که سیاحان سغدی به مذهب سنتی خود پای بند بوده‌اند (همان، ۱۹۹۷-۱۹۹۸: ۵۳۷).

در بین این نام‌ها الههٔ نَنَه^۱ یا نَنئی^۲ را داریم که بازرگانان سغدی احترام خاصی به آنها می‌گذارند، زیرا نام این الهه بیش از هشتاد بار به بیست شکل متفاوت نظیر نَنئی فرن^۳ به معنی «فرّ و شکوه نَنئی»، نَنئی دوار^۴ به معنی «هدیه نَنئی» و معمول‌ترین نام‌های سغدی نظیر نَنئی ونده^۵ به معنی «بندهٔ نَنئی» است (همان، ۲۰۰۰: ۱۶).

«نَنَه» در بین النهرین ایزد بانویی عزیز و گرامی بوده است. آئین وی ابتدا در پایان هزارهٔ سوم در شهر اروک^۶ و در زمان سومین سلسلهٔ اور^۷ پذیرفته شد. دیاکونف معتقد است آیین «نَنَه» را احتمالاً اقوامی که قبل از هند و اروپاییان زندگی می‌کردند به این سرزمین آورده‌اند (صمدی، ۱۳۸۱: ۱۸۶۳).

شهرت و محبوبیت نَنئی یعنی همان اینانای بین‌النهرینی قابل پیش بینی است، زیرا تصویر او را اغلب در هنر سغدی، خوارزمی و بلخی می‌بینیم که به شکل الهه‌ای با چهار بازو بر روی شیر یا تخت شیر مانند نشسته است. او الههٔ حامی شهر سغدی پنجکند بود و در سمرقند جایی که در حفاری‌های اخیر معبد اصلی او را پیدا کردند ستایش می‌شد (سیمز - ویلیامز، ۲۰۰۰: ۱۶).

به نظر می‌رسد محبوب‌ترین الهه بعد از نَنئی الهه «وخش»^۸ است که در نام‌های وخشوونده^۹ و خشوونده^۹ به معنی «بندهٔ وخش»، و خشوودوار^{۱۰} به معنی «هدیه وخش» و وخشواویرت^{۱۱} به معنی «به دست آمده از وخش» آمده است. رسم خدای ساختن جیحون در بلخ و خوارزم دیده می‌شود، اما این شاهد نوبی است و گاهی علت محبوبیت آن در بین سغدیان تعجب آور است، چرا که رودخانهٔ جیحون از میان سغد عبور نمی‌کند. اما ممکن است که این مورد در دوره‌های معینی در مرز جنوبی سغد شکل گرفته باشد (همان).

وجود کتیبه‌های سغدی در سند علیای پاکستان که نام‌های خاص سغدی هستند نمایانگر گسترش وسیع سرزمین‌هایی است که سغدیان در دوران گذشته به بازرگانی پرداختند. سغدیان در برقراری حق انحصار بازرگانی پُر سود ابریشم بین چین و غرب موفق بودند. در حقیقت آنان در طول جاده ابریشم، راه بازرگانی که از آسیای مرکزی گذشته و تا اعماق سرزمین چین و مغولستان امتداد می‌یافت، گروه‌های بازرگانی داشتند.

^۱ - Nana

^۲ - Nanai

^۳ - Nanai- farn

^۴ - Nanai- dhvar

^۵ - Nanai- vandak

^۶ - Uruk، شهری میان دو رود دجله و فرات که امروز وجود ندارد (فرهنگ معین).

^۷ - Ur، شهری قدیمی در بین النهرین (فرهنگ معین).

^۸ - Oxus همان رودخانه جیحون است.

^۹ - Wakhushu- vandak

^{۱۰} - Wakhushu- dhvar

^{۱۱} - Wakhushu- avyart

منابع

- تفضلی، احمد (۱۳۷۶) *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، به کوشش ژاله آموزگار. تهران: نشر سخن.
- خروموف، آلبرت لئونیدویچ (۱۹۸۷) *از رستم تا دیویشیج*. دوشنبه.
- در سدن، مارک (۱۳۵۳) «زبان‌های ایرانی میانه»، ترجمه احمد تفضلی. *مجله بررسی‌های تاریخی*. س ۹، ش ۶ صص ۵۴-۱۳.
- زرشناس، زهره (۱۳۸۲) *زبان و ادبیات ایران باستان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۴) *فرهنگ سغدی (سغدی- فارسی- انگلیسی)* تهران: انتشارات فرهنگان.
- گرنه، فرانس- مارشاک، بوریس (۱۳۸۱) «اسطوره «نته» در هنر سغد». ترجمه پریسا صمدی. *سروش پیر مغان (یادنامه جمشید سروشیان)*. به کوشش کتابیون مزداپور. تهران: انتشارات ثریا، صص ۸۵۸-۸۸۸.
- Bazin, L.(1975)«Turcs et Sogdiens: Les Enseignements de l'inscription de Bugut». *Mélanges Linguistiques Offerts à Émile Benveniste*, paris, pp. 37-45.
- Clark, Lary (2000)«The Conversion of Būgūkhan to Manichaeism». *Studia Manichaica*. Berlin , pp. 83-123.
- Livshitz, V.A. (1970) «A Sogdian Alphabet from Panjikant». *W.B. Henning Memorial Volume*. London, pp. 256-63.
- Gershevitch , I. (1954) *A Grammer of Manichean Sogdian*. Oxford (= GMS)
- Sims- Williams, N. (1989) *Sogdian and Other Iranian Inscriptions of the Upper Indus*. I , II , London.
- (1997-8) «The Iranian Inscriptions of Shatial». *Indologica Taurinensia* , 23-24 , « professor Gregory M.Bongard- Levin felicitation Volume», pp. 523-554.
- (2000) «Gods and Merchants: Sogdian Inscriptions of the Upper Indus». *The Journal of The Asian Arts Society of Australia*. Vol. 9, No. 3, pp. 14-17.